

## معرفی و نقد کتابهای درسی

### مقدمه

گروه پژوهشی الهیات با پنج گرایش علوم قرآن و حدیث، فقه و مبانی حقوق اسلامی، فلسفه و کلام اسلامی، ادیان و عرفان و تاریخ و تمدن ملل اسلامی فعالیت خود را از سال ۷۰ آغاز کرده است. مجموع عناوین مصوب شورای عالی برنامه ریزی در دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد این رشته که اولویت آنها در گروه تصویب شده ۱۵۴ عنوان است. از این تعداد عناوین، تاکنون برای ۵۷ عنوان درس، قرارداد تألیف و ترجمه منعقد شده که از آن میان، ۳۲ عنوان چاپ شده است، ۸ عنوان مراحل چاپ و نشر را سپری می‌کند و ۱۷ عنوان در دست تدوین است.

نگارنده بر آن است که به معرفی کتابهای چاپ شده گرایش تاریخ و تمدن - که فهرست آن در ذیل خواهد آمد - پردازد. هدف از این معرفی آن است که خوانندگان با محتویات و موضوعات طرح شده در کتابهای این گرایش آشنایی بیشتر و تفصیلی‌تر پیدا کنند. گرچه این معرفی‌ها، به قصد نقد نگارش نیافته است، دریغمان آمد از ذکر مواردی که به نظر می‌رسد موجب بهبود کیفیت کتاب خواهد شد چشم پوشیم عناوین کتابهایی که «سمت» تاکنون توانسته است برای پوشش دادن سرفصل دروس گرایش تاریخ و تمدن رشته الهیات تقدیم جامعه دانشگاهی کند عبارتند از:

۱. تاریخنگاری در اسلام، سید صادق سجادی و دکتر هادی عالم‌زاده
۲. منتخب النصوص التاريخية و الجغرافية، (مرحوم) دکتر نورالله کسایی
۳. تاریخ زبان و فرهنگ عربی، دکتر آذرتاش آذرنوش
۴. تاریخ خلافت عباسی از آغاز تا پایان آل بویه، دکتر سیداحمدرضا خضری
۵. جغرافیای تاریخی کشورهای اسلامی (۱)، دکتر حسین قره‌چانلو

\* عضو هیأت علمی گروه الهیات و مدیر پژوهشی سازمان «سمت»

۶. مطالعات اسلامی در غرب، دکتر محسن الویری (خندان)

۷. اسلام و تمدن اسلامی (۲ و ۱)، ترجمه دکتر حسن فروغی

۸. چکیده تاریخ پیامبر اسلام، محمد ابراهیم آیتی مشترک با بنیاد پژوهشهای آستان قدس

۹. نقد و بررسی منابع سیره نبوی (ص)، رسول جعفریان مشترک با پژوهشکده حوزه و دانشگاه

۱۰. مطالعات اسلامی در غرب انگلیسی زبان، مرحوم دکتر مرتضی اسعدی

سازمان «سمت» علاوه بر عناوین ذکر شده چند عنوان زیر چاپ دارد که بزودی منتشر خواهد شد. این عناوین نیز عبارتند از:

جغرافیای تاریخی کشورهای اسلامی (۲)، دکتر حسین قره چانلو

کتابشناسی گزیده توصیفی تاریخ و تمدن، شهره روغنی

دو عنوان نیز در دست تدوین است که امیدواریم بزودی راهی مراحل چاپ شود این دو عبارتند از:

درآمدی بر تمدن اسلامی در عصر عباسی، ترجمه دکتر محمد سپهری

تاریخ مغرب و تمدن آن، ترجمه حمیدرضا شیخی مشترک با بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس

۱. کتابهایی که به صورت مشترک با دانشگاهها و مراکز پژوهشی به چاپ رسیده عمدتاً

به صورت کمک درسی یا مبنایی برای دانشجویان این رشته قابل استفاده خواهند بود.

در این شماره به معرفی کتاب تاریخنگاری اسلامی پرداخته ایم بدین امید که در شماره بعدی تعداد بیشتری از کتابهای این رشته معرفی شوند.

## گزارشی کوتاه از کتاب تاریخنگاری در اسلام

تاریخنگاری در اسلام / سید صادق سجادی، هادی عالمزاده؛ تهران: سازمان مطالعه و تدوین (سمت)، چاپ اول، زمستان ۱۳۷۵، ۱۶۰ ص.

کتاب تاریخنگاری در اسلام نخستین کتابی است که در گروه هیأت سازمان، تدوین و چاپ شده است. نگارش کتاب به قلم جناب آقای سید صادق سجادی، از محققان و متبعان این رشته، و زیر نظر جناب آقای دکتر هادی عالمزاده از اساتید برجسته گروه تاریخ و تمدن دانشکده هیأت

دانشگاه تهران انجام گرفته است.

در مقدمه ناشر، این کتاب به عنوان منبع اصلی درس تاریخنگاری در اسلام در مقطع کارشناسی به ارزش ۲ واحد معرفی شده است. در سرفصل شورایی عالی برنامه ریزی دوره کارشناسی الهیات (مصوب ۷۴/۱۱/۱۸) که به نظر می‌رسد قدری شتابزده و بدون جامع‌نگری کامل تدوین شده، هدف از این درس «آشنایی با شیوه‌های گوناگون تاریخنگاری در اسلام و شناخت مآخذ تاریخ اسلام» عنوان شده است.

گرچه نگارنده در این مقال قصد ندارد سرفصلهای مصوب رشته الهیات را نقد کند بویژه آنکه ظاهراً ضرورت بازبینی سرفصلهای این رشته بر دست‌اندرکاران محرز شده است؛ لکن در خصوص سرفصل این درس، ذکر دو نکته را ضروری می‌داند: اول اینکه شناخت مآخذ تاریخ اسلام را به لحاظ موضوع، نه به جهت میزان ارزش و کاربرد، باید فرع بر درس تاریخنگاری در اسلام و درس تاریخنگاری را پیش‌نیاز آن دانست؛ دوم اینکه آشنایی با شیوه‌های گوناگون تاریخنگاری صرفاً بخشی از آن هدفی است که این درس به‌طور اصولی باید آن را دنبال کند و خطاست که جزء را به جای کل بنشانیم.

کتاب تاریخنگاری که محتوای آن برای مقطع کارشناسی تا حدودی سنگین به نظر می‌رسد، در شش فصل، یک پیشگفتار و مقدمه تدوین یافته است. مؤلفان در پیشگفتار با ذکر این مطلب که «شناخت و دریافت وجوه مختلف هر فرهنگ و تمدن بدون بررسی انواع هنرها و دانشهایی که در آن تمدن ظهور کرده یا تکامل یافته ممکن نخواهد بود» (ص ۱)، تاریخنگاری را یکی از ابعاد و مظاهر فرهنگ و تمدن [و طبعاً تاریخنگاری اسلامی را یکی از مظاهر تمدن اسلامی] و حائز اهمیت بسیار دانسته‌اند؛ سپس ضرورت پژوهش در تاریخنگاری اسلامی و تدوین کتاب در این باب را تبیین کرده و اظهار داشته‌اند «پژوهش در این باب نه تنها برای شناخت روشها و آراء تاریخی مورخان این دوره ضروری می‌نماید، بلکه به سبب دگرگونیهایی که امروزه در پژوهش و بینش تاریخی رخ داده راهی برای بررسی نقادانه منابع تاریخی و مورخان اسلامی به شمار می‌رود» (ص ۳).

فصل نخست کتاب با عنوان کلیات ابتدا به موضوع تعیین مبدأ زمان در میان مسلمانان و سابقه استفاده آنان از تاریخ، معنای لغوی و اصطلاحی و تفاوت موضوع و مفهوم تاریخ اختصاص یافته؛ پس از آن، تاریخنگاری اسلامی، به عنوان یکی از وجوه فرهنگ و تمدن

اسلامی، آغاز، انگیزه‌ها و اهداف آن و نیز جایگاه تاریخ در طبقه‌بندی علوم نزد مسلمانان بررسی شده است. موضوعات طرح شده در این فصل با اینکه به اختصار اطلاعات ارزشمندی در اختیار خواننده قرار می‌دهد، دارای نوعی تداخل مباحث است و به نظر می‌رسد می‌توانست از نظم منطقی بیشتری برخوردار باشد؛ علاوه بر اینکه بهتر بود با زبان ساده‌تری بیان می‌شد.

ذیل عنوان فصل دوم با نام منشأ تاریخنگاری اسلامی این عناوین فرعی به چشم می‌خورد: میراث عربی، ایرانی، یونانی، یهودی، مسیحی و میراث اسلام شامل قرآن و سنت و سیره پیامبر(ص). مؤلفان در این فصل درصدد اثبات این موضوع بوده‌اند که «گرچه تاریخنگاری اسلامی با اسلام آغاز شد و از نظر شکل و پیش با آنچه در میان اقوام دیگر وجود داشت متفاوت بود(ص ۲۲)، بی‌تأثیر از میراث فرهنگی دیگر اقوام نبوده است؛ و با این هدف به بررسی میراث‌های تاریخنگاری یاد شده و دامنه تأثیرات آنها در تاریخنگاری اسلامی پرداخته‌اند و با اعلام این نکته که «تأثیرات یاد شده [تأثیر میراث اقوام دیگر] به مثابه عوامل جزئی و عرضی برای نشأت تاریخنگاری اسلامی به‌شمار می‌آیند» نتیجه‌گیری کرده‌اند که «منشأ اصلی و حقیقی تاریخنگاری اسلامی و نیرومندترین عامل الهام‌بخش مورخان مسلمان برای پژوهش و تدوین تاریخ همانا اسلام بوده است» (ص ۳۲) و میراث اسلام را در دو عامل قرآن و سنت مورد بحث قرار داده‌اند. این فصل از مهمترین فصول کتاب است که متأسفانه در سرفصل مصوب شورای عالی برنامه‌ریزی هیچگونه اشاره‌ای به آن نشده است.

فصل سوم، روشها و مکاتب تاریخنگاری را مورد بحث قرار داده است. در بحث از روشهای تاریخنگاری، سه روش روایی، ترکیبی و تحلیلی شرح داده شده است. مؤلفان در آغاز همین فصل به اختلاف میان دو اصطلاح «روش تاریخنگاری» و «شیوه تدوین تاریخی» - که در فصل بعد بدان پرداخته‌اند - اشاره کرده، توضیح داده‌اند که مقصود از «روش» چگونگی صورت تألیف و نقل مطالب تاریخی است و مراد از «شیوه» چگونگی تدوین مطالب تاریخی است؛ مثلاً ممکن است مورخی در تألیف و نقل وقایع، روش روایی را در پیش گیرد و تنظیم مطالب را به شکل روایت ذکر کند، اما در عین حال آن را به شیوه سالشمار یا رعایت تسلسل تاریخی مدون سازد. در بحث مکاتب تاریخنگاری، مؤلفان با ذکر این مقدمه که «تاریخنگاری اسلامی از آغاز در دو جهت اساسی حرکت می‌کرد که به سبب خصوصیت متمایزشان در عنایت به موضوع و مواد خاص تاریخی هریک را مکتبی در تاریخنگاری شمرده‌اند» (ص ۴۷)، به معرفی دو مکتب مدینه

(اهل حدیث) و عراق یا کوفه (اخباریان) به عنوان دو مکتب اصلی تاریخنگاری اسلامی پرداخته‌اند و پس از معرفی نمایندگان برجسته هریک، ویژگیها و وجوه تشابه و تمایز آنان را نام برده‌اند. به دنبال معرفی دو مکتب یاد شده، توضیحاتی در باب تاریخنگاری ایران، شام و اندلس داده شده است؛ لکن توضیحات ارائه شده و نحوه ارائه توضیحات کاشف دیدگاه روشن مؤلفان نسبت به این موضوع که آیا این سه نیز از دیگر مکاتب تاریخنگاری اسلامی هستند یا نه نیست؛ اگر تاریخنگاری ایران و شام و اندلس از اقسام تاریخنگاری به شمار آیند، با کدام حجت تاریخنگاری هند و مصر و عثمانی از این تقسیم‌بندی خارج می‌شوند؛ و اگر نیستند، پس چرا مقسم مکتب مدینه و عراق به حساب آمده‌اند؟ علاوه بر اینکه، در ضمن ارائه توضیحات در باب تاریخنگاری ایرانی، به نام «مکتب یمن» اشاره شده (ص ۶۷)، اما هیچ‌گونه توضیحی درباره آن داده نشده است. به نظر می‌رسد شایسته باشد که این بخش از فصل سوم مورد تجدید نظر مؤلفان محترم قرار گیرد. پیشنهاد می‌شود این بخش با عنوانی مشابه «سنت‌های تاریخنگاری در سرزمینهای اسلامی» به فصل پنجم کتاب که موضوع آن سیر تاریخنگاری در سرزمینهای اسلامی است منتقل شود.

در فصل چهارم با عنوان شیوه‌های تدوین و تنظیم در تاریخنگاری اسلامی شش شیوه تنظیم مواد تاریخی به لحاظ موضوع، زمان و مکان معرفی شده‌اند. این شیوه‌ها عبارتند از: حدیثی - خبری، سالشماری، دودمانی، تدوین تاریخی برحسب طبقات، تدوین فرهنگنامه‌ای و شیوه تبارشناختی. در مقدمه این فصل توضیح داده شده است که «شیوه‌های مذکور را نمی‌توان بکلی جدا از هم انگاشت، چه ممکن است دو یا چند شیوه در یک اثر جمع شود» (ص ۷۱).

فصل پنجم با عنوان سیر تاریخنگاری در سرزمینهای اسلامی نگاهی کلی و گذرا بر تطور تاریخنگاری در قلمرو اسلام دارد و جریان این تطور با اشاره به مهمترین آثار که در این قلمرو گسترده پدید آمده در آن بررسی شده است. این بررسی از غرب به شرق، پنج حوزه را دربرگرفته است: مغرب و اندلس، مصر و شام، ایران، شبه قاره هند و عصر عثمانی مشتمل بر همه سرزمینهایی که در قلمرو این دولت قرار داشته‌اند. این فصل از کتاب حائز اهمیت بسیار است و اطلاعات مهم و ارزشمندی به خواننده می‌دهد.

در فصل ششم و آخرین فصل کتاب، انواع تاریخنگاری بحث و بررسی شده است. مؤلفان در مقدمه این فصل با توضیح این مطلب که «مراد از انواع تاریخنگاری مضامین اصلی و گونه‌ها و

شیوه‌های مختلف تاریخنگاری و تدوین تاریخی هماهنگ با دایره نگاه مورخ است» (ص ۱۰۹)

شیوه‌های تدوین و تنظیم را نیز در این مقوله دانسته و میان انواع تاریخنگاری و شیوه‌های تدوین تاریخی نسبت عام و خاص قائل شده‌اند. مهمترین انواعی که در این فصل برای تاریخنگاری اسلامی برشمرده شده است عبارتند از سیرومغازی، مقاتل و فتن و حروب، خراج و فتوح، تواریخ عمومی، تواریخ دودمانی و تک‌نگاری درباره فرمانروایان، تواریخ محلی، انساب، طبقات، وزارت و دیوانسالاری، فرهنگنامه‌های تاریخی و فرق و مذاهب. ذکر عبارت «مهمترین انواع» حاکی از آن است که احتمالاً محققان و منتقدان علم تاریخنگاری انواع دیگر یا تقسیم‌بندیهای دیگری نیز برای تاریخنگاری اسلامی قائلند. مؤلفان در ذیل هر نوع به معرفی و توصیف چند اثر مهم تاریخی در آن زمینه پرداخته‌اند. قریب پنجاه اثر تاریخی مهم در این کتاب معرفی شده است. البته اشتباهات اندکی در معرفی برخی کتب پیش آمده؛ از جمله آنکه کتاب *وفاء الوفاء باحوال المصطفی* به ابن جوزی نسبت داده شده، در حالیکه کتاب *ابن جوزی الوفاء باحوال المصطفی* نام دارد و اما *سمهودی* کتابی دارد به نام *وفاء الوفاء باخبار دارالمصطفی* که ممکن است به دلیل شباهت در نام با کتاب *ابن جوزی* اشتباه گرفته شده باشد. شایسته بود در این فصل اولاً، برای هر یک از انواع تاریخنگاری اسلامی نیز تعریفی ارائه می‌شد؛ ثانیاً به دیگر تقسیمات انواع تاریخنگاری اشاره و ضمناً تصریح می‌شد که به دلیل ماهیت برخی آثار تاریخی، جای دادن قطعی هر یک از آنها تحت یک نوع خاص نه تنها ضروری نیست، بلکه در بسیاری موارد امری دشوار است و همان‌طور که در بحث شیوه‌ها اشاره شد ممکن است در یک اثر چند نوع یا شیوه تاریخنگاری دیده شود.

در پایان کتاب، فهرست منابع و کتابشناسی قرار دارد. کتاب به‌طور قطع نیازمند فهرست اعلام است امید است مؤلفان محترم در چاپهای بعد به این مهم همت گمارزند. از سال ۷۵ تاکنون، چهار چاپ از این کتاب ارزشمند در اختیار طالبان قرار گرفته که نشانه استقبال جامعه علمی و دانشگاهی است. امید است در تدوین سرفصلهای جدید گرایش تاریخ و تمدن رشته الهیات، فصل‌بندی و عناوین این کتاب مورد توجه جدی دست‌اندرکاران امر قرار گیرد؛ همچنانکه امید آن داریم مؤلفان پس از گذشت شش سال از چاپ کتاب، بازنگری در محتوای آن را و جهت همت والای خویش قرار دهند.